

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



مؤسسه ی آموزش عالی علامه محدث نوری (ره)  
دانشکده ی اقتصاد و علوم اداری

پایان نامه برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد  
رشته ی حقوق خصوصی

موضوع:

**بیع اموال دولتی و عمومی**

استاد راهنما:

**دکتر داود قاسمی**

استاد مشاور:

**دکتر جمشید یحیی پور**

نگارنده:

**راویه ذکریایی**

شهریور ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
هستے کلیدِ درِ کَنجِ مکایم

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



مؤسسه ی آموزش عالی علامه محدث نوری (ره)  
دانشکده ی اقتصاد و علوم اداری

پایان نامه برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد  
رشته ی حقوق خصوصی

موضوع:

**بیع اموال دولتی و عمومی**

استاد راهنما:

**دکتر داود قاسمی**

استاد مشاور:

**دکتر جمشید یحیی پور**

نگارنده:

**راویہ ذکریایی**

شهریور ۱۳۹۱

بسمه تعالی

## تعهدنامه ی اصالت پایان نامه

اینجانب **راویه ذکریایی** فرزند **نورالله** دانشجوی رشته ی **حقوق خصوصی** مقطع **کارشناسی ارشد** مؤسسه ی آموزش عالی **علامه محدث نوری** (ره) بدین وسیله اصالت کلیه ی مطالب موجود در این پایان نامه با عنوان **بیع اموال دولتی و عمومی** را تأیید و تصدیق کرده، اعلام می کنم مدلول قانون مالکیت معنوی را رعایت کرده ام و تمامی محتوای این پایان نامه حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه یا هیچ اثر یا منبع دیگری اعم از داخلی و خارجی نبوده و بدون ذکر مأخذ هیچ مطلبی را در پایان نامه ننوشته ام. نیز تعهد می کنم در صورت اثبات عدم اصالت این پایان نامه یا احراز عدم صحت مفاد و لوازم این تعهدنامه در هر مرحله از مراحل که منتهی به فارغ التحصیلی شده یا پس از آن و تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و مانند آن، دانشگاه حق دارد ضمن اعلام رد پایان نامه، نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوط اقدام نماید. مضافاً این که کلیه ی مسئولیت ها و پیگردها و پیامدهای قانونی و نیز خسارت های مادی و معنوی وارد شده از هر حیث متوجه اینجانب خواهد بود.

**راویه ذکریایی**

## سپاسگزاری ها

بر اینجانب است تا از جناب آقای دکتر داود قاسمی، استاد محترم راهنما که با راهنمایی ها و یآوری های فاضلانه و بردبارانه و ارایه ی دیدگاه های گرانسنگ در تمامی مرحله های پایان نامه از شکل گیری موضوع تا به بار نشستن آن، در شکل و محتوا، سبب غنا و پرباری آن شدند کمال قدردانی و سپاسگزاری را به عمل آورم و از پیشگاه پروردگار دانا و توانا بالندگی و پیروزی و بهروزی روزافزونشان را آرزو کنم.

نیز بر خود فرض می دانم از جناب آقای دکتر جمشید یحیی پور، استاد محترم مشاور که با اشارت ها و مساعدت های درست و بی دریغ خود به ویژه در فراهم سازی منابع، موجبات هر چه پربارتر شدن این پایان نامه را فراهم کردند خالصانه سپاسگزاری کنم و از درگاه خداوند بزرگ خواستار سرزندگی و سربلندی هر چه بیشترشان شوم.

در پایان، از جناب آقای دکتر محمود امامی نمین، ریاست محترم و مدیریت گروه حقوق مؤسسه ی آموزش عالی علامه محدث نوری (ره)، نیز به خاطر همه ی مهربانی ها و یاریگری های بزرگوارانه شان سپاسگزارم و برایشان تندرستی و طول عمر با عزت و پربرکت آرزو دارم.

پیشکش به:

پدر و مادر خداجوی و انسان دوستم

که زبان از بیان بزرگی ها و نیکویی هایشان در می ماند.

## چکیده

دولت برای ارایه ی خدمات های عمومی و ایفای وظیفه های قانونی خود دو دسته اموال در اختیار دارد؛ اموال دولتی و اموال عمومی. این پایان نامه مفهوم اموال دولتی و عمومی و مرزبندی منطقی میان آنها و نیز چهارچوبه های قانونی قرارداد بیع اموال دولتی و عمومی را بازشناسی کرده، ساز و کارهای قانونی بایسته را برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده در بستن این گونه قراردادها بررسی می کند.

در بازشناسی اموال عمومی از اموال دولتی، بیشتر حقوقدانان بر این باورند که اموال عمومی برای هدف ویژه ی ارایه ی خدمات عمومی به منظور برآوردن نیازهای همگانی بهره برداری می شوند. بدین ترتیب، هر مالی که به گونه ی مستقیم یا غیرمستقیم از سوی دولت و نهادهای عمومی و دولتی برای برآوردن این نیازها اختصاص می یابد از اموال عمومی است و دیگر اموال، ملک دولتی. اگرچه اصولاً اموال عمومی قابل انتقال به دیگران نیستند، گاه دولت ها به هر دلیل ناچار می شوند پاره ای از این اموال را برابر قوانین طی قراردادی چون بیع به اشخاص واگذار کنند. قراردادهایی که سازمان های اداری کشور منعقد می کنند هنگامی اداری ست که برای خدمتی عمومی یا خدمتی مربوط به منافع عمومی باشد، وگرنه مدنی ست. بیع از قراردادهای مدنی دولت ست و تابع اصول و قواعد حقوق خصوصی. در بیع اموال دولتی و عمومی، اگر ضوابط و شرایطی چون مناقصه و مزایده و نیز پاره ای مقررات کیفری پراکنده که تنظیم کننده ی رفتار دستگاه های اداری اند در عمل به درستی رعایت شود، می تواند موجب پاسداشت منافع عمومی و جلوگیری از هرگونه فساد و تبانی شود.

**کلیدواژه ها:** اموال دولتی، اموال و مشترک های عمومی، بیع، مناقصه، مزایده.

## مقدمه

نیازهای اجتماعی مردم که با پیشرفت دانش و فناوری روز به روز گسترش می یابد دولت های نوین را موظف ساخته تا در قلمروهای گوناگون اجتماعی دخالت کرده، به برآوردن این نیازهای همگانی دست یازند. مسئولیت دولت ها که در گذشته تنها محدود به چند مورد خاص چون گرد کردن مالیات، حفظ امنیت داخلی و خارجی، قضاوت و مانند آن بود امروزه بسیار گسترش یافته و به حوزه های گوناگونی چون امور عمرانی، رفاهی، بهداشتی، آموزشی و دیگر امور همگانی راه برده است.<sup>۱</sup> دستاویز دولت ها در این دست اندازی ها به حوزه های تازه و ناشناخته ارایه ی خدمت های عمومی برای برآوردن نیازمندی های همگانی است.<sup>۲</sup> دولت در راستای ارایه ی این خدمات و ایفای وظایف قانونی خود اموال گوناگونی در اختیار دارد. برخی از این اموال در مالکیت دولت قرار دارند (اموال دولتی) اما برخی دیگر برای پاسداری از مصالح و منافع عمومی اند و دولت تنها اداره شان می کند (اموال و مشترک های عمومی). این اموال می توانند به گاه نیاز موضوع قراردادهای گوناگون مدنی چون بیع و اجاره یا قراردادهای اداری چون امتیاز و پیمانکاری دولتی قرار گیرند.

## ۱. پرسش های پژوهش

در خصوص بیع اموال دولتی و عمومی پرسش هایی به شرح زیر مطرح است که این پژوهش به دنبال پاسخی درست و شایسته برای آنهاست:

- ضابطه ی بازشناسی اموال دولتی از اموال عمومی چیست؟
- آیا همه ی این اموال، چه دولتی و چه عمومی، می توانند از راه قرارداد بیع انتقال یابند؟

---

<sup>۱</sup> موسی زاده، رضا. حقوق اداری (۱-۲). ۱۳۷۷. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ص ۱۹.

<sup>۲</sup> مفهوم خدمت های عمومی در اواخر سده ی نوزده میلادی در حقوق اداری فرانسه مطرح شد و آرام آرام به عنوان یکی از پایه های حقوق اداری درآمد. از این مفهوم تعریف های متعددی مطرح شده است. اما به نظر می رسد مناسب ترین تعریف این باشد: خدمت های عمومی کارهایی ست که جهت برآوردن نیازها و تأمین منافع عمومی ضرورت دارد و تابع روابط آزاد یا قواعد حقوق خصوصی نیست و دولت به گونه ای آن را اداره یا بر آن نظارت می کند. (امامی، محمد و کوروش استوار سنگری. حقوق اداری، جلد اول. ۱۳۸۸. چاپ هفتم. تهران: نشر میزان، صص ۳۶ و ۳۸).



- آیا این گونه از قرارداد بیع، یک قرارداد اداری است با شرایط خودویژه اش یا خود همان قرارداد بیع در حقوق مدنی است و پیرو قواعد آن؟
- آیا شرایط و ضوابط یا تشریفات و تضمینات قانونی در خرید و فروش این اموال موجب پاسداشت منافع و مصالح عمومی و جلوگیری از فساد و تبانی و تباهی خواهد شد؟

## ۲. ادبیات پژوهش

در زمینه ی موضوع، کار مستقل چندانی در حقوق ایران صورت نگرفته است، اما از لا به لای کتاب ها و نوشته های گوناگون حقوقی می توان به بحث های گوناگون آن راه برد. از آن دسته است:

دکتر ناصر کاتوزیان در کتاب دوره ی *مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)* ضمن طرح چند نکته ی بنیادی درباره ی بازشناسی اموال دولتی از اموال و مشترک های عمومی و نیز چیستی حق دولت بر این اموال نگاهی به برخی دیدگاه های آشنا در این زمینه انداخته و توجیه های نظری و هوده های عملی آنها را بیان داشته است. در بیان ضابطه ی بازشناسی اموال دولتی از اموال و مشترک های عمومی، ایشان نتیجه می گیرد همه ی اموالی که به گونه ی مستقیم یا غیرمستقیم از سوی دولت برای برآوردن نیازمندی های همگانی اختصاص می یابند اموال و مشترک های عمومی اند و دیگر اموال دولتی ملک دولت به شمار می آیند.<sup>۱</sup>

دکتر محمد طاهر کنعانی در کتاب *تملک اموال عمومی و مباحات* در زمینه ی بازشناسی اموال عمومی از اموال دولتی می گوید از آنجا که نظام حقوقی ایران اموال عمومی را از اموال دولتی بازشناخت و چیستی و ویژگی های رژیم حقوقی این اموال را در قوانین وضعی روشن نکرد، گرفتار رویه های متناقض و افراط و تفریط های قانونگذاری، اجرایی و قضایی شده است. منظور از مالکیت دولتی، مالکیت خصوصی دولت بر اموال منقول و غیر منقول است. این نوع حق مالکیت دولت بر اموال خود از دیدگاه پیوند مالکیت مانند مالکیت اشخاص خصوصی است، لکن بحث مالکیت عمومی یکسره جداست؛ برابر نگره ی «مالکیت همگانی» اموال عمومی متعلق حق همه ی مردم است و دولت در معنای اخص (قوه ی مجریه) وظیفه ی پاسداری، نگهداری و مدیریت آنها را برابر قوانین وضعی بر عهده دارد.<sup>۲</sup> در زمینه ی انتقال و واگذاری اموال عمومی، ایشان با بررسی و واکاوی قوانین

<sup>۱</sup> کاتوزیان، ناصر. دوره ی مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت. ۱۳۷۴. چاپ اول. تهران: نشر یلدا، صص ۶۷-۶۶.

<sup>۲</sup> کنعانی، محمد طاهر. تملک اموال عمومی و مباحات. ۱۳۷۸. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ص ۸۱

وضع‌ی کشور بیان می‌کند که امروزه امکان تملک جزئی اموال عمومی به حکم قانون وجود دارد.<sup>۱</sup> آنگاه راه‌های گوناگون قانونی تملک اموال عمومی از جمله واگذاری اراضی عمومی برای نیازهای عمومی و واگذاری مالکیت اموال نظامی و عرصه و اعیان پادگان‌ها از راه مزایده را با نگاهی موشکافانه و نقادانه مورد بررسی قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

دکتر ولی‌الله انصاری در کتاب کلیات حقوق قراردادهای اداری ضوابط، شرایط و تشریفات معامله‌های دولتی (مزایده و مناقصه) و چستی این تشریفات و نیز تضمین‌های قانونی برای منع مداخله‌ی کارکنان دولت در این معامله‌ها را مورد بررسی و واکاوی قرار داده است. ایشان بر این باور است که چنانچه روش‌های مزایده و مناقصه برای انعقاد قرارداد در دستگاه‌های دولتی درست اجرا شود و اجرای قوانین و مقررات از آسیب‌تقلب، تخلف و تبانی به دور ماند، مصالح و منافع عمومی پاس داشته خواهد شد.<sup>۳</sup>

### ۳. قلمرو پژوهش

قلمرو این پژوهش، تنها مربوط به بیع است، نه اجاره یا گونه‌های دیگر معامله‌ی دولتی و عمومی. وانگهی، این پژوهش - آنچنانکه از نامش پیداست و در پرسش‌های آن نیز یاد شد - هم به اموال دولتی مربوط خواهد بود و هم به اموال و مشترک‌های عمومی. به عنوان یک موضوع میان‌رشته‌ای که از یک سو درگیر یکی از مهم‌ترین گونه‌های عقود معین در حقوق مدنی یعنی عقد بیع است و از سوی دیگر با دولت و اموال دولتی و عمومی سر و کار دارد، این پژوهش از مرزهای حقوق خصوصی در گذشته، به قلمرو شاخه‌های حقوق عمومی چون حقوق اداری و حقوق کیفری نیز سر می‌زند.

همچنین، این پژوهش تنها مربوط به معامله‌های داخلی دولت خواهد بود و بیع بین‌المللی کالا که خود فصلی جداگانه با مقررات دیگرگونه‌ی بین‌المللی است<sup>۴</sup> از قلمرو این پژوهش خروج موضوعی دارد. قراردادی که یک طرف آن دولت است و طرف دیگر اشخاص یا شرکت‌های خارجی، به باور بسیاری از حقوقدانان، دارای جنبه‌ی بین‌المللی نیست. چنین قراردادی نیز داخلی

<sup>۱</sup> همان، ص ۲۱۱.

<sup>۲</sup> همان، صص ۳۳۸ - ۲۹۵.

<sup>۳</sup> انصاری، ولی‌الله. کلیات حقوق قراردادهای اداری. ۱۳۷۷. چاپ اول. تهران: نشر حقوقدانان، ص ۱۲۲.

<sup>۴</sup> منظور، عهدنامه‌ی بیع بین‌المللی کالا است که در سال ۱۹۸۰ میلادی در وین اتریش به تصویب رسید.

به شمار آمده، در قلمرو حقوق داخلی و حاکمیت دولت ایران جای دارد؛ یعنی، دولت حق دارد نسبت به آن اعمال حاکمیت کرده، برابر قوانین داخلی دست به بازنگری یا فسخ و الغای آن بزند. به باور دانایان حقوق بین الملل این حق مسلم هر دولتی است که از چنین اختیاراتی بهره گیرد، به شرط آن که تعادل و توازن مالی قرارداد حفظ شود و دولت از پس خسارت های وارد شده به طرف مقابل برآید. رویه ی قضایی دادگاه های بین المللی نیز این باور را تأیید می کند.<sup>۱</sup>

#### ۴. فرضیه های پژوهش

فرضیه های این پژوهش عبارتند از:

- ضابطه ی بازشناسی اموال دولتی از اموال عمومی، منظور و هدف تعیین شده برای هر یک از آنهاست.
- تنها اموال دولتی را می توان از راه عقد بیع به دیگری انتقال داد. اموال عمومی به تملک اشخاص خصوصی در نمی آیند.
- قرارداد بیع اموال دولتی و عمومی، سرشتی جدای از عقد بیع در حقوق مدنی ندارد و پیرو قواعد حقوق خصوصی است.
- تشریفات و تضمینات قانونی در خرید و فروش اموال دولتی، ضرورتاً موجب پاسداری از منافع عمومی و جلوگیری از تبانی و تباهی نیست.

#### ۵. هدف های پژوهش

مهمترین هدف های این پژوهش به ترتیب زیرند:

- شناخت درست و عمیق مفهوم اموال دولتی و عمومی و مرزبندی منطقی و دقیق میان آنها.
- آشنایی گسترده و ژرف با ضوابط و شرایط قرارداد بیع اموال دولتی و عمومی و تفاوت های آن با دیگر قراردادهای دولت.

---

<sup>۱</sup> طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. حقوق اداری. ۱۳۷۳. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، صص ۳۵۷-۳۵۸.

- تبیین و تفهیم درست قوانین و مقررات برای دست اندر کاران بیع اموال دولتی و عمومی و جلوگیری از تعبیرها و تفسیرهای شخصی و سلیقه ای.

- آشناسازی هرچه بیشتر دانشجویان، حقوقدانان و کارآموزان دوره های گوناگون آموزش حقوقی به شرایط، ضوابط و چهارچوبه های بیع اموال دولتی و عمومی.

## ۷. روش شناسی پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش شناسی مطالعه های توصیفی- تحلیلی است. به عنوان یک پژوهش مبتنی بر بهره گیری از منابع کتابخانه ای، این پژوهش بر نوشته ها و کتاب های حقوقی و نیز قوانین و مقررات گوناگون ایران تمرکز خواهد کرد و با بررسی و واکاوی این منابع به دنبال آزمودن و اثبات یا رد فرضیه های پژوهش خواهد رفت.

## ۸. ساختار فصل های پژوهش

پژوهش در دست چهار فصل دارد. جدای از مقدمه که به پرسش ها، فرضیه ها و هدف های پژوهش و نیز به ادبیات، قلمرو و روش شناسی آن می پردازد، فصل های دیگر به ترتیب زیر دسته بندی و سازماندهی شده اند:

فصل یکم، با نام کلیات، در چهار گفتار به ترتیب به مفهوم مال و مالکیت و گونه های مال، مفهوم و تمایز اموال دولتی و اموال عمومی، چگونگی بازشناسی اموال عمومی از اموال دولتی و چیستی حق دولت بر آنها و نیز واگذاری اموال عمومی به اشخاص می پردازد.

فصل دوم قرارداد بیع اموال دولتی و عمومی و قراردادهای اداری نام دارد. این فصل در دو گفتار، مفهوم و چیستی عقد بیع و بازشناسی قرارداد بیع اموال دولتی و عمومی از قراردادهای اداری را مورد واکاوی و بررسی قرار می دهد.

فصل سوم، با نام شرایط و تشریفات بیع اموال دولتی و عمومی، ضمن نگاهی به اصل رعایت تشریفات در بیع این اموال، در گفتار یکم به موضوع مزایده در فروش اموال دولتی و عمومی و در گفتار دوم به موضوع مناقصه در خرید اموال دولتی می پردازد. این فصل در گفتار پایانی، خوبی های تشریفات مناقصه و مزایده را در بیع اموال دولتی و عمومی شماره و بررسی می کند.

فصل چهارم به جرم ها و مجازات های قانونی در بیع اموال دولتی و عمومی اختصاص یافته است. این فصل طی سه گفتار در آغاز به دو موضوع نفع طلبی و تبانی در بیع اموال دولتی و عمومی پرداخته، آنگاه از سرِ موشکافی نگاهی به جرم مداخله ی دولتیان در این گونه از بیع و جرم تدلیس خواهد انداخت.

# فصل یکم

## کلیات

موضوع مال و مالکیت و گونه های آن و مرزبندی روشن و درست میان این گونه ها از موضوع های پیچیده و درازدامن در حقوق خصوصی است و حقوقدانان سخن ها در این مقال گفته و مقاله ها در این مقوله نگاشته اند که مجال کوتاه این پژوهش را گنجایش همگی آنها نیست. آنچه در این بخش از پژوهش بایسته ی بیان است کلیاتی است در شناخت حقوقی دو مفهوم مال و مالکیت و گونه های مال و نیز چگونگی بازشناسی اموال عمومی و دولتی از هم و چستی حق دولت بر آنها به زبانی ساده و کوتاه؛ بی آن که پژوهش در چنبره ی واکاوی و بررسی مبانی و احکام پیچیده و گونه گون آنها گرفتار آید.

## گفتار یکم

### مال و مالکیت

#### بند نخست. مفهوم مال و مالکیت

در وجود هر انسان حس یا غریزه ای هست که تلاش دارد با سلطه بر پدیده های گوناگون عینی هر چیزی که در جهان هست را از آن خود سازد؛ به زبان دیگر، انسان ها برای تضمین و تثبیت هستی و زندگی خود می کوشند تا به اندازه ی توانایی های خود امکانات موجود را به خود اختصاص دهند. این اختصاص را مالکیت گویند.<sup>۱</sup>

قانون مدنی ایران از مال و مالکیت تعریفی به دست نداده است. تنها می توان از لا به لای سطرهای ماده های گوناگون آن و نیز دیدگاه های حقوقدانان، ویژگی هایی از این دو مفهوم را سراغ گرفت و تعریفی ساخت حقوقی. بر این بنیان، برخی حقوقدانان می گویند مالکیت حقیقی است که شخص نسبت به عین خارجی دارد و می تواند همه گونه تصرفی در آن کند و هر گونه انتفاعی از آن برد، مگر آن که قانون استثنا کرده باشد.<sup>۲</sup> اما امروزه این تصور که مالکیت مربوط به عین خارجی است

<sup>۱</sup> یوسف زاده، مرتضی. اشخاص، اموال و مالکیت. ۱۳۸۹. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ص ۱۷۹.

<sup>۲</sup> امامی، سید حسن. حقوق مدنی، جلد اول. ۱۳۷۲. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامی، ص ۳۵.

راست و درست نیست؛ چرا که مالکیت در حقوق ما منفعت را هم در بر می گیرد،<sup>۱</sup> چنانکه در قرارداد اجاره مستأجر مالک منفعت می شود نه عین.<sup>۲</sup> همچنین، پاره ای حقوق که همانند حقوق عینی است اما موضوع آن نه یک چیز معین مادی که فعالیت فکری انسان است موضوع حق مالکیت اند. این حقوق را حقوق معنوی یا مالکیت معنوی یا فکری می نامند، مانند حق آفریننده ی یک اثر علمی یا هنری بر آفریده ی خود.<sup>۳</sup>

با نگاه به ماده ی ۳۰ قانون مدنی آنجا که قانونگذار می گوید: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق هر گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در موردهایی که قانون استثنا کرده باشد.» می توان گفت مالکیت حقیقی است مطلق و انحصاری؛ مطلق از آن جهت است که دارنده ی مال می تواند هر گونه تصرفی در آن بکند، مگر آن که قانون آن را استثنا کرده باشد؛ و انحصاری از آن جهت که وی می تواند از تصرف دیگران در مال خود جلوگیری کند.<sup>۴</sup>

مال نیز، که در اصل از واژه ی یونانی *malon* یا *malon* گرفته شده،<sup>۵</sup> در حقوق عبارت است از هر چیزی که انسان بتواند تملک کند و از آن بهره برد. برخی از حقوقدانان گفته اند مال از دیدگاه حقوقی به چیزی گفته می شود که از نظریافت اقتصادی ارزش مبادله یا داد و ستد را داشته باشد؛<sup>۶</sup> به زبان درست تر، مال هر چیزی است که مردم بتوانند با آن میان خود به داد و ستد دست زنند و بابتش هنگام فروش، وجه یا چیزی که در خور بهایش باشد به مالک و فروشنده بدهند، مشروط بر آن که خرید و فروش و نگهداری و جابجایی آن ناسازگار با قانون و شرع نباشد.<sup>۷</sup> مال در معنای ویژه ی خود به آن چیزی گفته می شود که چه مادی و چه غیرمادی دارای نفعی عقلایی باشد و مورد علاقه و نیاز انسان و تملک شدنی و انتقال یافتنی.<sup>۸</sup>

<sup>۱</sup> قانون مدنی ایران، ماده ی ۲۹.

<sup>۲</sup> همان، ماده ی ۴۶۶.

<sup>۳</sup> صفایی، سید حسن. دوره ی مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، اشخاص و اموال. ۱۳۸۵. چاپ پنجم. تهران: نشر میزان، ص ۱۷۰.

<sup>۴</sup> همان، صص ۱۶۹-۱۶۸.

<sup>۵</sup> جعفری لنگرودی، محمدجعفر. حقوق اموال. ۱۳۶۸. چاپ اول. تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۳۵.

<sup>۶</sup> امامی، سید حسن. حقوق مدنی، جلد اول، ص ۱۹.

<sup>۷</sup> رسایی نیا، ناصر. حقوق مدنی- اشخاص، اموال و مالکیت. ۱۳۷۶. چاپ اول. تهران: مؤسسه ی انتشارات آوای نور، ص ۱۴۵.

<sup>۸</sup> یوسف زاده، مرتضی. اشخاص، اموال و مالکیت، ص ۱۸۱.



## بند دوم. گونه های مال

اموال را می توان در شش دسته تقسیم و جاسازی کرد که در اینجا به ملاحظه ی کوتاه سخنی تنها به برشی کوتاه در شناخت هر یک از آنها بسنده می شود:

۱. **عین و منفعت:** هر مالی که در جهان بیرون هست و شخص می تواند به چشم ببیندش و به دست لمسش کند عین است. عین امکان دارد معین باشد، مانند این خودرو یا آن یخچال؛ یا کلی، مانند بیست کیلو برنج دابوی آمل؛ و یا کلی در معین (در حکم عین معین)، مانند بیست کیلو برنج از خرمی معین. منفعت نیز ثمره ای است که آرام آرام از عین مال به دست می آید، بی آن که از عین به گونه ی محسوسی فروکاهد، خواه این ثمره عین مادی باشد، مانند میوه ی درخت، یا صفتی باشد از خود مال، مانند توانش بارکشی یک خودروی باری. نیز منفعت یا متصل است و جدانشدنی از عین، مانند فربه و گلگون شدن حیوان و افزایش بهای آن؛ و یا منفصل و جدانشدنی، مانند میوه ی درخت.

۲. **مال مثلی و مال قیمی:** هنگامی می توان مال را مثلی دانست که از دیدگاه بها و اوصاف و اعراض چون دیگری باشد و شخص بتواند برای وفا کردن به عهدش آن را به جای این یا این را به جای آن به بستانکار خود واپس دهد، مانند دو تمام سکه ی بهار آزادی طرح قدیم که ارزشی برابر دارند و بدهکار می تواند هر یک را به جای دیگری به بستانکار بپردازد. اما مال هنگامی قیمی است که در عرف نتوان چیزی چون آن مال یافت و جایگزین کرد و به گاه تلف شدن مال باید بهای آن را پرداخت، مانند یک خودروی سمند سفید.

۳. **مال باقی ماندنی و مال مصرف شدنی:** هرگاه مالی با یک بار به کارگیری از میان برود چنانکه نتوان دیگر از آن بهره مند شد مصرف شدنی است، مانند خوردنی ها و نوشیدنی ها. اما هرگاه ماهیت و چستی مالی با به کارگیری دوباره و چند و چندین باره اش از دست نرود و بماند و باز بتواند به کار رود مال باقی ماندنی است، هرچند سوده و فرسوده شود، مانند پوشیدنی ها.

۴. **مال منقول و مال غیر منقول:** چنانچه مالی را به مقتضای ذات آن یا بنا به عمل انسان نتوان از جایی به جای دیگر کشاند و برد و با جابجایی خود مال یا جای آن دچار خرابی و کاستی شود، آن مال را غیرمنقول گویند،<sup>۱</sup> مانند زمین، ساختمان و هر چیزی که در ساختمان نصب است و در عرف

---

<sup>۱</sup> قانون مدنی، ماده ی ۱۲.

بخشی جدایی ناپذیر از آن است و نیز لوله های آب و گاز که در زمین یا ساختمان می کشند.<sup>۱</sup> اما چنانچه بتوان مالی را بی آن که به خود مال یا جای آن آسیب و خرابی رسد جابجا کرد، آن مال را منقول نامند، مانند یخچال و قالی و خودرو و قایق.<sup>۲</sup>

**۵. مال با مالک خاص و مال بی مالک خاص:** مال با مالک خاص، چنانکه از نام آن پیداست، دارای مالکی خاص است و این مالک یا به حکم سند و مدرکی روشن و بی معارض یا بر پایه ی اماره ی تصرف، تا هنگامی که خلافش ثابت نشده،<sup>۳</sup> بر آن حق مالکیتی دارد. مال بی مالک خاص نیز پیداست چیزی ست که وضعیت روشنی از جهت مالکیت ندارد. بسیاری چیزها در جهان بیرون اینگونه اند و بار روشن ساختن وضعیت شان بر دوش حقوق است. بسیاری از این اموال تملک پذیر بوده، آرام آرام به مالکیت یک شخص در می آیند و حقوق به ناچار باید شرایط حیات و تملک شان را روشن سازد، مانند مباحات<sup>۴</sup> و اموال با مالک مجهول.<sup>۵</sup> اما پاره ای از اموال بی مالک چون دریا و رود از مشترک های عمومی اند و نهادهای عمومی و دولتی، برابر قوانین و مقررات گوناگون، عهده دار نگهداری و اداره ی آنها.

**۶. مال مادی و مال غیرمادی:** مال مادی آن است که بتوان با یکی از حس های ظاهری احساس اش کرد، مانند جامه و خامه و خانه. مال غیرمادی چنین نیست، اما دارای ارزش داد و ستد است و تقویم شدنی به پول، مانند حق نویسنده بر کتاب یا مقاله ی خود. همه ی حقوق مالی را می توان از اموال غیرمادی به شمار آورد؛ چرا که این حقوق قدرت و امتیازی اند که قانون برای افراد شناسایی کرده و دارای ارزش مبادله ی اقتصادی و مالی اند و پیداست که قدرت و امتیاز فردی مادی و حس شدنی نیست. البته باید یادآور شد از آنجا که اموال چیزی نیستند مگر حقوق مالی، می توان گفت که تقسیم شان به مادی و غیرمادی چندان بی اشکال نیست.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> همان، ماده ی ۱۳.

<sup>۲</sup> همان، ماده های ۱۹ و ۲۱.

<sup>۳</sup> ماده ی ۳۵ قانون مدنی می گوید که تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است، مگر آن که خلافش ثابت شود.

<sup>۴</sup> برابر ماده ی ۲۷ قانون مدنی، اموالی که ملک اشخاص نیست و مردم می توانند آنها را برابر مقررات قانونی تملک کرده یا از آنها بهره گیرند مباحات نامیده می شود، مانند زمین های موات؛ یعنی، زمین های معطل و نآباد و بی کشت و کار.

<sup>۵</sup> برابر ماده ی ۲۸ قانون مدنی، اموال با مالک مجهول برابر اذن حاکم یا کسی که مأذون از سوی اوست برای مصرف مستمندان نگهداری می شود.

<sup>۶</sup> صفایی، سید حسن. دوره ی مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، اشخاص و اموال، ص ۱۲۷.

## گفتار دوم

### اموال دولتی و عمومی؛ مفهوم و چیستی

از دیدگاه کلی، دسته ای از اموال از سوی اشخاص خصوصی تملک پذیر است و دسته ای دیگر، یا تملک ناپذیر است یا با رعایت شرایط و قواعدی جداگانه و دیگرگونه، تملک پذیر. دسته ی دوم خود دو دسته می شود؛ دسته ی نخست، اموال دولتی است که دولت و یا یک نهاد دولتی یا عمومی حق مالکیتی بر آن دارد، همانند حق اشخاص بر اموال خود، گو اینکه قوانین گوناگون حق مالکیت دولت نسبت به اموال دولتی را محدود کرده اند. دسته ی دوم، نیز اموال عمومی است و به مردم تعلق دارد، لکن مردم حق مالکیتی بر آن ندارند و تنها می توانند از آن بهره برداری مستقیم کنند. به این اموال مشترک های عمومی هم می گویند.

### بند نخست. اموال دولتی

چنانکه در بالا گفته آمد، به آن دسته از اموالی که دولت یا یک نهاد عمومی بر آن حق مالکیتی همانند حق اشخاص بر اموال خود دارد اموال دولتی می گویند. برابر این تعریف، روشن است که مالک اموال دولتی دولت است. چنانکه از خود اصطلاح اموال دولتی و اضافه ی ملکی بودن ترکیب آن از دیدگاه دستور زبان فارسی نیز اینگونه بر می آید که دولت، مالک اموال دولتی است. لکن پرسش این است: دولت خود به چه معناست؟ آیا این واژه در همه ی متن های قانونی معنای یکسان دارد و ناگزیر اموال دولتی یک مالک دارند؟ یا آن که در صورت چندینی معنای دولت، چندین مالک؟ این یک پرسش کلیدی در این بخش است و پاسخ بدان از بایستگی بسیار برخوردار. برای این کار باید به دنبال منابع گوناگون علمی، مانند نوشته های اندیشمندان علم سیاست و دانیان حقوق عمومی و اساسی، رفت؛ واژه ی دولت یکی از کلیدی ترین و پیچیده ترین مفاهیم در علم سیاست و نیز در حقوق عمومی و اساسی است و دیدگاه های گوناگونی از سوی این اندیشمندان و دانیان برای آشکار و باز کردن این پیچیدگی ها و سایه روشن ها بیان شده که بررسی و واکاوی تک تک این

دیدگاه‌ها مقاله و مجالی جدا و گسترده می‌طلبند.<sup>۱</sup> اما آنچه به کار ما در این مقاله کوتاه می‌آید آن است که دولت در متن‌های حقوقی و سیاسی در سه معنا به کار می‌رود: دولت در معنای عام، دولت در معنای خاص و دولت در معنای اخص.

## ۱. دولت در معنای عام

دولت در معنای عام نماد شخصیت و هویت مستقل یک کشور و یک عضو جامعه‌ی جهانی از دیدگاه حقوق عمومی و بین‌الملل است.<sup>۲</sup> دولت (state) در این معنا کلیت متمایز و مشخصی است متشکل از سه رکن سازنده‌ی سرزمین، ملت و قدرت سیاسی که نباید با دستگاه حکومت و مقام‌ها و نهادهای فرمانروا (government) که تنها بخشی از این کل مستقل و متمایز را شکل می‌دهند اشتباه شود.<sup>۳</sup>

## ۲. دولت در معنای خاص

گاه واژه‌ی دولت در معنای جبهه‌ی فرمانروایان در برابر فرمانبران یا شهروندان به کار می‌رود. در این معنا دولت به همه‌ی کارگزاران و نهادهایی گفته می‌شود که بر فرمانبران حکومت می‌کنند، چه قوای سه‌گانه‌ی قانونگذاری، اجرایی و قضایی و چه دیگر نهادهای سیاسی فرمانروا. مفهوم دولت در اینجا در برابر مفهوم مردم یا ملت قرار دارد.<sup>۴</sup>

## ۳. دولت در معنای اخص

گاهی دولت در معنای بدنه‌ی سیاسی قوه‌ی اجرایی یعنی مقام‌های بالادست سیاسی آن مانند نخست‌وزیر و وزیران به کار می‌رود. در این معنا واژه‌ی دولت اشاره به هیأت وزیران دارد که بر پایه‌ی قانون و شرح وظیفه‌های اجرایی خود در برابر نمایندگان مردم مسئول بوده، باید پاسخگوی عملکردهای خود باشد و اگر نتواند نگاه مساعد اکثریت نمایندگان را جلب و جذب کند، باید از کار

---

<sup>۱</sup> برای آگاهی بیشتر از مفهوم دولت از دیدگاه اندیشمندان، نگاه کنید به: وینسنت، اندرو. نظریه‌های دولت. ترجمه: حسین بشیریه. ۱۳۷۱. چاپ اول. تهران: نشر نی؛ همچنین، عالیخانی، محمد. حقوق اساسی. ۱۳۸۱. چاپ سوم. تهران: انتشارات دستان، صص ۵۲-۴۷.

<sup>۲</sup> کنعانی، محمد طاهر. تملک اموال عمومی و مباحات، ص ۱۷۳.

<sup>۳</sup> قاضی، ابوالفضل. بایسته‌های حقوق اساسی. ۱۳۷۳. چاپ اول. تهران: نشر بِلدا، ص ۳۷.

<sup>۴</sup> همان، صص ۳۸-۳۷.